

بررسی احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روان با توجه به نوع پوشش در خانم‌های ۱۵ تا ۴۵ ساله شهر تهران

مریم پوررحیمی مرنی،* علی سلیمانی،** علیرضا مهدویان،*** نعیمه بزیمی****

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه احساس پوشیدگی با متغیرهایی نظیر سلامت روان و هوش هیجانی در سه گروه از خانم‌های چادری، مانتویی معمولی و مانتویی مددار پرداخته است. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۰۰ نفر از خانم‌های ۱۵ تا ۴۵ ساله شهر تهران می‌باشد که به روش تصادفی انتخاب و از طریق پرسش‌نامه سلامت عمومی، آزمون هوش هیجانی بار - اُن و پرسش‌نامه محقق‌ساخته مورد سنجش قرار گرفته‌اند. اطلاعات با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس یک‌راهه و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این پژوهش، به قرار زیر است:

- بین افراد با پوشش چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مددار از لحاظ احساس پوشیدگی تفاوت وجود دارد که در این بین، گروه با پوشش چادر بالاترین احساس پوشیدگی و مانتویی معمولی کمترین احساس پوشیدگی را دارا هستند.
 - بین احساس پوشیدگی، سلامت روان و متغیرهای آن رابطه وجود دارد.
 - بین احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و متغیرهایش رابطه وجود دارد.
 - بین هوش هیجانی و سلامت روان رابطه وجود دارد.
- کلید واژه‌ها: احساس پوشیدگی، پوشش، سلامت روان، هوش هیجانی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علم و فرهنگ.

** و *** و **** استادیار دانشگاه علم و فرهنگ تهران. دریافت: ۸۷۹۸ - پذیرش: ۸۷۱۰۱۱

مقدمه

پوشش یکی از مسائل عمیق و ریشه‌ای جوامع انسانی است که ضمن ایجاد وقار موجب محافظت انسان در برابر تغییرات جوی و وجه‌تمایز او از سایر موجودات است. بشر در زندگی اجتماعی خود به منظور ایجاد ارتباط و رساندن پیام از نشانه‌هایی استفاده می‌کند که یکی از مشهورترین این نشانه‌ها پوشاک است. پوشاک از ابزارهای کارآمد و مؤثر در پیشبرد هرگونه هویت‌سازی و هویت‌پردازی است.

یکی از مسائلی که امروزه در بحث پوشش مطرح می‌شود، مُد و مدگرایی است. طبق نظریه جرج سیمل، مُد همان تغییر غیرمتمرکز جنبه‌های فرهنگی زندگی است و از یک تنش اساسی و پایه‌ای در وضعیت اجتماعی انسان‌ها ناشی می‌شود. از یک سو، هرکدام از ما تمایل داریم که از دیگران تقلید کنیم و از سوی دیگر، دوست داریم نسبت به آنها متفاوت باشیم. جریان مُد به هردوی این تمایلات توجه می‌کند. مُد یکی از راه‌های گوناگون زندگی است که به کمک آن می‌توان با همگونی با سایر انسان‌ها، به سمت یک زندگی اجتماعی حرکت نمود، ضمن اینکه در اوج این همگونی، می‌توان که از آنها متمایز بود؛ یعنی دو نیروی مخالف در زندگی، مدام کشمکش ایجاد می‌کند و مُد نیز تأثیر این دو نیروی متضاد در درون انسان است. اما مدگرایی و مُد تنها در یکی از قطب‌های مخالف عمل کرده و فرد مدگرا یا مدام خود را شبیه به دیگران درمی‌آورد یا همه سعی او این است که با دیگران متفاوت باشد. در حقیقت، وقتی مُد جدید گسترش پیدا می‌کند به تدریج افت کرده و به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. دلیل آن نیز این است که، هر لحظه تعداد بیشتری از افراد از آن پیروی کرده و پس از مدتی آن مُد به صورت امر عادی درآمده که تنوع قبلی را ندارد. در این مفهوم، قربانی مُد

یک عبارت هیپوکندرایی (خودبیمارانگاری) تشدید شده است. طبق نظر روان‌شناسان، یک فرد که لباسش مورد توجه زیاد است، بیشتر تلاش می‌کند که عدم اعتماد به نفس خود را مخفی کند، جلب توجه کند و گاهی خودبزرگ‌بینی‌اش را به کمک لباس تأیید کند. ما انسان‌ها مجموعه‌ای از پوشش‌ها را برای پنهان ساختن ضعف‌هایمان به وجود می‌آوریم. پوشش نقش مهمی در سازگاری روانی - اجتماعی ما انسان‌ها ایفا می‌کند و عامل مهم در این بین، بازخوردی است که از دیگران در مورد بدن خود دریافت می‌کند.

پژوهش حاضر به بررسی احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روان، با توجه به نوع پوشش (چادری، مانتویی معمولی و مانتویی مددار) در خانم‌های ۱۵ - ۴۵ ساله شهر تهران می‌پردازد. این پژوهش در پی کشف این مسئله است که، آیا متغیرهایی نظیر احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روان بر یکدیگر تأثیرگذارند و آیا بین افراد با پوشش چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مددار، از لحاظ این متغیرهای روانی، تفاوت وجود دارد؟ منظور از احساس پوشیدگی در این پژوهش حسی روان‌شناختی و درونی در مورد حفظ بدن و عورت در برابر نگاه دیگران است. به عبارت دیگر، منظور از احساس پوشیدگی الزاماً با پوشش فیزیکی حاصل نمی‌شود، بدین معنا که ممکن است خانمی دارای چادر باشد، اما احساس کند اندامش مورد توجه قرار دارد. در نتیجه احساس پوشیدگی پایینی دارد. برعکس، خانمی که از نظر پوشش فیزیکی چندان پوشیده نیست، ممکن است احساس کند پوشش قابل قبولی دارد و در نتیجه، احساس پوشیدگی بالایی داشته باشد.

به نظر می‌رسد، این احساس به نوع پوشش، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی وابسته است. این حس در موقعیت‌ها و برخوردهای اجتماعی برای شخص قابل درک است و با توجه به نمره شخص از آزمون محقق ساخته، ویژگی‌های زمینه‌ای که بین ۳ تا ۲۴ در نوسان است، اندازه‌گیری می‌شود.

در تعریف هوش هیجانی نیز می‌توان گفت: هوش هیجانی نوع دیگری از باهوش بودن است که شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی و توانایی کنترل حالت‌های اضطراب‌آور و کنترل واکنش‌ها است.

به نظر گلزن، هوش هیجانی شامل عناصر درونی نظیر میزان خودآگاهی، خودانگاره، احساس استقلال، ظرفیت خودشکوفایی و قاطعیت و عناصر بیرونی نظیر روابط بین فردی، سهولت در همدلی و احساس مسئولیت می‌شود. منظور از سلامت روان، طبق نظریه لویسون کیفیت احساس شخص^۹ نسبت به خود، دنیای اطراف، محیط زندگی و اطرافیان است.

نتایج پژوهش سیاروچی و اندرسون (۲۰۰۰) نشان داد که هوش هیجانی رابطه میان استرس و متغیرهای بهداشت روانی را تعدیل می‌کند. در پژوهشی بار - آن (۲۰۰۰)، تیلور، بگی و پارکر (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که بیماران مبتلا به افسردگی معمولاً نمرات بالایی در TAS-۲۰ دارند. این افراد، که از علائم بدنی شکایت می‌کنند، هوش هیجانی پایینی دارند. نتایج پژوهش دهاقین (۱۳۸۳) نشان داد که، در مقایسه دو گروه چادری و مانتویی، میانگین سلامت روان در گروه چادری بالاتر است.

در پژوهشی که باقری‌نژاد (۱۳۸۰) انجام داد، بین عواملی نظیر میزان مذهبی بودن، رشته تحصیلی دانش‌آموزان، بعد خانواده، مرتبه شغلی پدر و درآمد والدین با مدیریت فرزندان رابطه معناداری دیده شده است.

فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. بین افراد با پوشش چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مددار از لحاظ احساس پوشیدگی تفاوت وجود دارد.

۲. بین احساس پوشیدگی و سلامت روان و متغیرهای آن رابطه وجود دارد.

۳. بین احساس پوشیدگی و هوش هیجانی و متغیرهای آن رابطه وجود دارد.

۴. بین هوش هیجانی و سلامت روان رابطه وجود دارد (به تفکیک سه گروه). برکسی پوشیده نیست که سازه پوشش (حجاب)، یکی از شاخص‌ها و نمادهای مهم طرز فکر و نگرش‌های مردم یک کشور است که در دستورات صریح مذهبی بر رعایت آن تأکید شده است. اما در عین حال، بسیار مناسب است که علم نیز در چارچوب وظایف انسانی خود به تبیین این مسئله بپردازد که چرا دین بر رعایت پوشش مناسب تأکید بسیار دارد. با توجه به اینکه تاکنون در زمینه رابطه پوشش با سایر متغیرهای روان‌شناختی، نظیر سلامت روان یا هوش هیجانی تحقیقات بسیار کمی صورت گرفته است و با عنایت به مسائل آسیب‌زایی که در پی پوشش نامناسب پدید می‌آید و نهایتاً، با توجه به این که امروزه در جامعه ما پدیده مهمی به نام مد و مدگرایی وجود دارد که می‌تواند در جهت سست‌کردن بنیان‌های فرهنگی کشور عمل کند، ضروری می‌نمود که در این زمینه پژوهشی صورت گیرد.

روش

نوع پژوهش مورد نظر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه خانم‌های ۱۵ - ۴۵ ساله شهر تهران می‌باشد که از این جامعه، گروهی شامل ۳۰۰ نفر به صورت تصادفی (در هر گروه پوشش چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مددار ۱۰۰ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، شامل پرسش‌نامه هوش هیجانی بار - آن است که شامل ۹۰ سؤال و شیوه نمره‌گذاری آن بر مبنای مقیاس لیکرت می‌باشد. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۹۳٪ و همچنین پایایی آزمون به روش زوج - فرد ۸۸٪ گزارش شده است. از ابزارهای دیگر مورد استفاده در این پژوهش، فرم ۲۸ سؤالی پرسش‌نامه سلامت عمومی گلدبرگ است که دارای چهار

زیرمقیاس نشانه‌های بدنی، اضطراب و بی‌خوابی، نارسا کنش وری اجتماعی و افسردگی می‌باشد. ضریب پایایی کلی آزمون ۰/۸۸ و ضریب پایایی خرده‌آزمون‌ها را بین ۵۰ تا ۸۱ درصد گزارش کرده‌اند. پرسش‌نامه محقق ساخته که اطلاعاتی درباره وضعیت اجتماعی - اقتصادی، نوع پوشش آزمودنی، احساس پوشیدگی و تابع م‌بودن افراد فراهم می‌کند. احساس پوشیدگی آزمودنی‌ها جمعاً با سه سؤال سنجیده می‌شود که دربردارنده احساس پوشیدگی شخص در حال خرید یا گردش در شهر، هنگام حضور در جمع (دوستان، میهمانی و...) و هنگام حضور در محل کار، دانشگاه یا در هر محل رسمی دیگر است. تابع م‌بودن افراد نیز با شش سؤال، که دربردارنده میزان تأثیرپذیری آزمودنی‌ها از بازار، تحت تأثیر رسانه‌ها بودن در انتخاب لباس و... است، مشخص می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز شامل سه مرحله است: ۱. ساختن پرسش‌نامه محقق ساخته؛ ۲. تکثیر پرسش‌نامه‌ها؛ ۳ - توزیع پرسش‌نامه‌ها و تکمیل آنها. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم افزار (SPSS) و روش آماری تحلیل واریانس یکراهه، آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

نتایج پژوهش

جدول شماره ۱ آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی احساس پوشیدگی بر حسب نوع پوشش

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	Fمشاهده شده	سطح معناداری
بین گروهی	۱۵۲۲/۴۲	۲	۷۶۱/۲۱	۴۳/۹۰	۰/۰۰۰۱
درون‌گروهی	۵۱۴۹/۵۶	۲۹۷	۱۷/۳۳		
کل	۶۶۷۱/۹۸	۲۹۷			

با توجه به جدول فوق، Fمشاهده شده با مقدار ۴۳/۹۰ در سطح معناداری ($P=0/0001$) تفاوت معناداری بین احساس پوشیدگی در سه گروه پوشش را نشان می‌دهد.

جدول (۱-۱): آزمون تعقیبی توکی برای بررسی احساس پوشیدگی بر حسب نوع پوشش

سطح اطمینان ۹۵٪		سطح معناداری	اختلاف میانگین (I-J)	گروه اول I	گروه دوم J
حد بالا	حد پایین				
۶/۶۹	۳/۹۱	۰/۰۰۰۱	۵/۳۰*	چادر مانتویی معمولی	
۵/۳۷	۲/۵۹	۰/۰۰۰۱	۳/۹۸*	چادر مانتویی مد دار	
۲/۷۱	-۰/۷	۰/۰۶۶	۱/۳۲	مانتویی معمولی - مانتویی مد دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که، افراد با پوشش چادر با مانتویی معمولی با تفاوت میانگین ۵/۳۰ در سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ و افراد با پوشش چادر با مانتویی مددار با تفاوت میانگین ۳/۹۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ را نشان می‌دهند که فرض تفاوت احساس پوشیدگی در این دو گروه را تأیید می‌کند. ولی در گروه مانتویی معمولی با مانتویی مددار تفاوت معناداری در احساس پوشیدگی دیده نشده است.

جدول (۱-۲) ترتیب میانگین احساس پوشیدگی بر حسب نوع پوشش

میانگین	تعداد	نوع پوشش
۲۰/۱۰	۱۰۰	چادر
۱۶/۱۲	۱۰۰	مانتویی مد دار
۱۴/۸۰	۱۰۰	مانتویی معمولی

جدول فوق نشان می‌دهد که، احساس پوشیدگی در گروه چادر با میانگین ۲۰/۱۰ در بالاترین سطح و در گروه مانتویی معمولی با میانگین ۱۴/۸۰ در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

جدول شماره ۲ - آزمون همبستگی بین احساس پوشیدگی و سلامت روان و متغیرهایش

سلامت روان	افسردگی	اختلال در کارکرد اجتماعی	اضطراب و بی‌خوابی	نشانه‌های جسمانی	
۰/۱۳*	-۰/۱۳*	-۰/۰۹	-۰/۱۴*	-۰/۰۲۸	احساس پوشیدگی
۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۶۲	سطح معناداری
۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	تعداد

جدول فوق نشان می‌دهد که، بین احساس پوشیدگی و اضطراب و بی‌خوابی همبستگی منفی $r < -0.13$ (در سطح معناداری $p < 0.01$) بین احساس پوشیدگی و افسردگی نیز همبستگی منفی با $r < -0.13$ (در سطح معناداری $p < 0.02$) دیده

شده که نشان می‌دهد با افزایش احساس پوشیدگی، افسردگی و اضطراب و بی‌خوابی کاهش می‌یابد. بین سلامت روان و احساس پوشیدگی نیز همبستگی مثبت $r < ۰/۳$ و در سطح معناداری $p < ۰/۰۰۲$ دیده شد؛ یعنی با افزایش احساس پوشیدگی، سلامت روان افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۳: آزمون همبستگی بین احساس پوشیدگی و هوش هیجانی و متغیرهایش

متغیر	احساس پوشیدگی	سطح معناداری	تعداد
حل مسئله	۰/۱۶**	۰/۰۰۵	۳۰۰
خوشبختی	۰/۱۵**	۰/۰۰۷	۳۰۰
استقلال	۰/۰۴	۰/۴۸	۳۰۰
تحمل فشار روانی	۰/۱۲*	۰/۰۳	۳۰۰
خود شکوفایی	۰/۱۴*	۰/۰۱	۳۰۰
خود آگاهی هیجانی	۰/۱۰	۰/۰۶	۳۰۰
واقع گرایی	۰/۱۲*	۰/۰۲	۳۰۰
روابط بین فردی	۰/۰۹	۰/۰۸	۳۰۰
خوش بینی	۰/۱۳*	۰/۰۲	۳۰۰
عزت نفس	۰/۱۰	۰/۰۷	۳۰۰
کنترل تکانش	۰/۰۴	۰/۴۵	۳۰۰
انعطاف پذیری	۰/۰۵	۰/۳۰	۳۰۰
مسئولیت پذیری	۰/۱۸*	۰/۰۰۱	۳۰۰
همدلی	۰/۰۳	۰/۵۵	۳۰۰
خود ابرازی	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹	۳۰۰
هوش هیجانی	۰/۱۶**	۰/۰۰۵	۳۰۰

با توجه به جدول فوق، بین احساس پوشیدگی و متغیرهای نظیر حل مسئله، خوشبختی، تحمل فشار روانی، خودشکوفایی، واقع گرایی، خوش بینی و مسئولیت پذیری و هوش هیجانی همبستگی مثبت معنادار دیده شده است. با توجه به حجم نمونه ۳۰۰ نفر، ضرایب همبستگی ۰/۱۲ و بالاتر از نظر آماری معنادار شناخته شده است.

جدول شماره ۴: آزمون همبستگی بین سلامت روان و هوش هیجانی در سه گروه پوشش (چادر، مانتویی معمولی و مانتویی مد دار)

سلامت روان در چادرهای	سلامت روان در مانتویی‌های معمولی	سلامت روان در مانتویی‌های مد دار	
۰/۶۱	۰/۴۸	۰/۴۳	هوش هیجانی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	سطح معناداری
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تعداد

با توجه به جدول فوق، بین هوش هیجانی و سلامت روان در سه گروه پوشش همبستگی مثبت و معنادار دیده شده است.

جدول (۴-۱): میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و سلامت روان بر حسب پوشش

نوع پوشش	میانگین هوش هیجانی	انحراف معیار هوش هیجانی	میانگین سلامت روان	انحراف معیار سلامت روان
چادر	۳۲۶/۸۰	۳۹/۷۵	۶۳/۰۲	۱۱/۶۲
مانتویی معمولی	۳۲۰/۱۶	۳۱/۲۳	۶۱/۹۶	۱۲/۶۲
مانتویی مد دار	۳۱۹/۷۲	۳۱/۲۹	۶۱/۵۵	۱۱/۲۸

با توجه به جدول فوق، در پوشش چادر میانگین هوش هیجانی و سلامت روان در بالاترین مقدار به ترتیب $۳۲۶/۸۰$ و $۶۳/۰۲$ و در پوشش مانتویی مد دار میانگین هوش هیجانی و سلامت روان در پایین ترین مقدار به ترتیب $۳۱۹/۷۲$ و $۶۱/۵۵$ قرار دارد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش در راستای بررسی احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روان، با توجه به نوع پوشش افراد مورد مطالعه نشان داد که افراد با پوشش چادر احساس پوشیدگی بالاتری نسبت به افراد با پوشش مانتو داشتند. میانگین احساس پوشیدگی در گروه چادر در بالاترین مقدار یعنی $۲۰/۱۰$ و در گروه مانتویی معمولی در پایین ترین حد یعنی $۱۴/۸۰$ قرار دارد (جدول ۱ - ۲). به نظر می رسد، این تفاوت به دست آمده را می توان با استفاده از بحث گروه های مرجع و همسان سازی با آنها در روان شناسی پویایی گروه تبیین کرد. به نظر می رسد، چون گروه مانتویی مد دار با گروه هایی از نظر پوشش همسان سازی می کنند که از پوشیدگی فیزیکی پایینی برخوردارند و این پوشیدگی کم برای آنها مسئله مهمی نیست؛ زیرا با پوشش کمی در جوامع خود ظاهر می شوند. در نتیجه این گروه با پوششی که در حال حاضر از آن برخوردارند، - در مقایسه - احساس

پوشیدگی بالایی دارند. از سویی، به دلیل اینکه گروه مانتویی معمولی خود را از لحاظ پوشش با گروه چادری مقایسه می‌کنند، بنابراین احساس پوشیدگی کمتری را در خود تجربه می‌کنند. در تعیین رابطه بین احساس پوشیدگی و سلامت روان و متغیرهای آن، همبستگی مثبت و معناداری بین احساس پوشیدگی و سلامت روان دیده شده است. یعنی با افزایش احساس پوشیدگی، سلامت روان افزایش می‌یابد. بین احساس پوشیدگی و اضطراب و بی‌خوابی و افسردگی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. این امر نشان می‌دهد با افزایش احساس پوشیدگی، اضطراب و بی‌خوابی و افسردگی کاهش می‌یابد. بین احساس پوشیدگی و نشانه‌های جسمانی و اختلال در کارکرد اجتماعی، رابطه‌ای دیده نشده است.

در تعیین وجود رابطه بین احساس پوشیدگی و هوش هیجانی و متغیرهایش، بین احساس پوشیدگی و متغیرهایی نظیر حل مسئله، خوشبختی، تحمل فشار روانی، خودشکوفایی، واقع‌گرایی، خوش‌بینی و مسئولیت‌پذیری و هوش هیجانی همبستگی مثبت معناداری دیده شده است. بین احساس پوشیدگی و متغیرهایی نظیر استقلال، خودآگاهی هیجانی، روابط بین فردی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، همدلی و خودابرازی رابطه‌ای دیده نشده است؛ یعنی افراد با احساس پوشیدگی بالاتر توانایی بالاتری در حل مسئله، یعنی تشخیص و تعریف مشکلات، ارائه راه‌های مؤثر و مفید، تحقق بخشیدن و اعمال آنها، در تحمل فشار روانی یعنی مقاومت کردن در برابر رویدادها و موقعیت‌های فشارآور، در واقع‌گرایی یعنی سنجش هماهنگی بین چیزی که به طور هیجانی تجربه شده و چیزی که به صورت واقعی وجود دارد، در خودشکوفایی یعنی درک ظرفیت‌های بالقوه خود، در مسئولیت‌پذیری یعنی بروز خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری و مؤثر در گروه، در خوش‌بینی یعنی در زیرکانه نگاه کردن به زندگی و تقویت نگرش‌های مثبت، حتی در

صورت بروز بدبختی و احساسات منفی و خوشبختی، یعنی لذت بردن از خود و دیگران و احساسات مثبت و صریح داشتن دارند.

در تعیین رابطه بین سلامت روان و هوش هیجانی، بین هوش هیجانی و سلامت روان در هر سه گروه همبستگی مثبت و معناداری دیده شده است. میانگین هوش هیجانی و سلامت روان در گروه چادری در بالاترین مقدار و در گروه مانتویی مُددار در پایین‌ترین مقدار قرار دارد، به عبارت دیگر، افراد با پوشش فیزیکی بیشتر، از هوش هیجانی و سلامت روان بالاتری در مقایسه با افراد دیگر برخوردارند. در نهایت، در مورد احساس پوشیدگی می‌توان گفت: عاملی که میزان این احساس را تعیین می‌کند آن است که شخص به چه میزان بین پوشش فیزیکی خود و گروه مرجع خود شباهت تشخیص دهد. به هر میزان درجه این شباهت توسط شخص بالاتر ارزیابی گردد منجر به احساس رضایت بیشتر و بالعکس خواهد شد. البته تحت شرایطی، با توجه به درجه هم‌ماهنگی یا ناهماهنگی میان ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های شخصی، این ارتباط دست‌خوش تغییراتی می‌گردد. زمانی که بین ارزش‌های شخصی و ارزش‌های جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم اختلاف وجود دارد، شخص گروه‌های مرجع خود را در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین خود برمی‌گزیند. این مسئله در خصوص انتخاب نوع پوشش نیز صادق است. به هر حال، آنچه که ضروری به نظر می‌رسد توانایی درک، سازگاری و انعطاف‌پذیری شخص در ارتباط با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خودی است؛ زیرا در این صورت است که سلامت و تندرستی معنا پیدا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Bar-on Emotional Quotient.

۲. George Simel.

۳. ر.ک: باقر ساروخانی، *جامعه‌شناسی ارتباطات*.

۴. وحیده دهاقین، *بررسی ارتباط نوع پوشش با سلامت روان جهت‌گیری مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان دختر دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و جهاد دانشگاهی*.

۵. Yana Mikheeva, *Psychology of Clothing*.

۶. راحله سموعی، *ترجمه و هنجاریابی آزمون هوش هیجانی بار-آن*، ص ۱-۱۰.

۷. Golman.

۸. ر.ک: دانیل گلمن، *هوش هیجان*، ترجمه نسرين پارسا.

۹. Levinson.

۱۰. Ciarochi & Anderson.

۱۱. Toronto Alexithymia Scale. ؛ مقیاس نارساخوانی تورنتو.

۱. مرتضی باقر نژاد، *بررسی جامعه‌شناختی مدگرایی دانش‌آموزان پایه‌های دوم سوم دبیرستان‌های پسرانه شهر کرمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۱۲. Goldberg.

۱. آزمون تعقیبی توکی آزمونی است که در صورت معنادار بودن آزمون تحلیل واریانس، تفاوت بین سطوح متغیرها را نشان می‌دهد.

منابع

- باقری نژاد، مرتضی، *بررسی جامعه‌شناختی مدگرایی دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبیرستان‌های پسرانه شهر کرمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۰.
- دهاقین، وحیده، *بررسی ارتباط نوع پوشش با سلامت روان، جهت‌گیری مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان دختر دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و جهاد دانشگاهی*، پایان‌نامه کارشناسی، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، ۳، ۱۳۸.
- ساروخانی، باقر، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲.
- سموعی، راحله، *ترجمه و هنجاریابی آزمون هوش هیجانی بار-آن*، مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا، ۱۳۸۱.
- گلمن، دانیل، *هوش هیجانی*، ترجمه نسرين پارسا، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
- Mikheeva; Yana, *Psychology Of Clothing*, April 26, Article Source: <http://EzineArticles.Com>, 2006.
- Veltheim; John, *Psychology of Body* (Dorrored from Naked Beneath your clothing). Vanudist.home.att.net.